

ناتوانی گارد شاهنشاهی در مهار انقلاب اسلامی؛ تحلیلی بر ساختار، عملکرد و فروپاشی (به روایت اسناد تاریخی)

محمدعلی نعمتی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی از مهم‌ترین رخداد‌های معاصر ایران است که ساختار سیاسی حکومت پهلوی را واژگون کرد. یکی از نیروهای نظامی مهم دوره پهلوی، گارد شاهنشاهی بود که با وظیفه حفاظت از شاه و کاخ‌های سلطنتی شناخته می‌شد. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است تا با روشی تاریخی و بهره‌گیری از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای عملکرد گارد شاهنشاهی را در مقابل انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد. مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که گارد شاهنشاهی به‌عنوان یکی از ارکان امنیتی حکومت پهلوی، چه نقشی را در تقابل با انقلاب اسلامی ایفا نمود و چه عواملی منجر به فروپاشی آن شد؟ این مقاله با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، عملکرد گارد شاهنشاهی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این نهاد، به‌رغم آموزش‌های ویژه و تجهیزات پیشرفته، نتوانست در مقابله با اعتراضات مردمی عملکرد مؤثری از خود نشان دهد و در نهایت به دلیل ضعف فرماندهی، نبود پایگاه مردمی، و نفوذ تدریجی اندیشه‌های انقلابی در بین بدنه نیروها، از هم پاشید و منحل گردید. این فروپاشی، نمادی از افول اقتدار نظام سلطنتی نیز بود.

واژه‌های کلیدی: گارد شاهنشاهی، پهلوی، ارتش، امنیت، انقلاب اسلامی.

۱. استاد مدعو دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبائی، خرم‌آباد، ایران.

m.a.nemati1365@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

The Inability of the Imperial Guard to Contain the Islamic Revolution of 1979; An Analysis of Structure, Function, and Collapse (According to Historical Documents)

Mohamadali Nemati¹

Abstract

The Islamic Revolution of 1979 is one of the most important contemporary events in Iran that transformed the political structure of the Pahlavi government. One of the important military institutions of this period was the Imperial Guard, which was known for its duty to protect the Shah and the royal palaces. Accordingly, the present study seeks to examine the performance of the Imperial Guard against the Islamic Revolution using a historical method and the use of archival documents and library resources. The article seeks to answer the question of what role the Imperial Guard, as one of the security pillars of the Pahlavi government, played in the confrontation with the Islamic Revolution and what factors led to its collapse? This article examines the performance of the Imperial Guard in the years leading up to the Islamic Revolution using a historical method and a descriptive-analytical approach. The findings show that this institution, despite special training and advanced equipment, was unable to effectively confront popular protests and ultimately disintegrated and dissolved due to weak command, lack of popular support, and the gradual penetration of revolutionary ideas among the forces. This collapse was also a symbol of the decline of the authority of the monarchy.

Keywords : Imperial Guard, Pahlavi, Army, Security, Islamic Revolution.

¹. Visiting professor, Farhangian University, Allameh Tabatabai Campus, Khorramabad, Iran.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ معاصر این کشور و منطقه خاورمیانه در قرن بیستم به شمار می‌آید. این انقلاب پیامدهای عمیق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به همراه داشت و موجب دگرگونی‌هایی در معادلات منطقه‌ای و جهانی گردید. گارد شاهنشاهی به‌عنوان یکی از واحدهای نخبه نظامی و امنیتی ارتش شاهنشاهی، وظیفه‌اش حفاظت از شخص شاه، خاندان سلطنتی و اماکن حساس سلطنتی بود. این واحد مستقل از ارتش، مستقیماً زیر نظر شاه عمل می‌کرد و از لحاظ تعداد نیرو و امکانات بسیار گسترش یافت و از سازمان‌های مشابه اروپایی و ایران باستان الگوبرداری نمود. با اوج‌گیری نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۷ش. انتظار می‌رفت در مقابله با انقلاب نقش محوری ایفا کند، اما نتوانست در مقابل نیروهای انقلابی موفق عمل نماید. بر این اساس مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که گارد شاهنشاهی به‌عنوان یکی از ارکان امنیتی حکومت پهلوی، چه نقشی را در تقابل با انقلاب اسلامی ایفا نمود و چه عواملی منجر به فروپاشی آن شد؟ بررسی عملکرد این نهاد، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و سیاسی دوران انقلاب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا انتظار می‌رفت گارد شاهنشاهی به‌عنوان نیروی نظامی وفادار به شاه بتواند نقشی اساسی در سرکوبی نیروهای انقلابی ایفا کند، اما عملاً در روزهای پایانی عمر این نظام به شهادی از ضعف و فروپاشی حکومت پهلوی تبدیل شد. این مقاله تلاش دارد که با تحلیل اسناد آرشیوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات، و تاریخ شفاهی با روش تحلیل محتوای تاریخی و شیوه توصیفی و تحلیلی این موضوع را مورد واکاوی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پرشماری در حوزه انقلاب اسلامی به‌رشته تحریر درآمده است، اما بسیاری از پژوهش‌ها بر روی تحلیل کلی انقلاب و یا نقش دیگر نهادهای نظامی تمرکز کرده‌اند و کمتر به گارد شاهنشاهی پرداخته‌اند. حسین فردوست در کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۱۳۷۸) تنها در چند صفحه به چگونگی تأسیس و گسترش این نهاد می‌پردازد و نقش خود را در این امر برجسته می‌نماید و تقریباً مطلبی در مورد نقش این واحد در انقلاب اسلامی ندارد. خاطرات نیروهای گارد نیز اطلاعات خوبی ارائه می‌دهند، ازجمله این منابع می‌توان به کتاب شهر ممنوعه،

مستند روایی از خاطرات ستوان دوم (افسر گارد جاویدان) نجاتعلی اسکندری از حسین گلدوست (۱۴۰۰) اشاره کرد. از دیگر آثار می‌توان به برنامه تاریخ شفاهی و تصویری ایران در عصر پهلوی دوم، بنیاد مطالعات ایران، گفتگو با سپهبد محسن هاشمی‌نژاد (مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹) و برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، مصاحبه با یزدان نویسی (۱۹۸۵م.) نام برد. اما این منابع به تنهایی برای روشن کردن زوایای مختلف مسائل مربوط به گارد شاهنشاهی کافی نیست، زیرا این افراد از دیدگاه خود به موضوع گارد شاهنشاهی و تقابل آن با انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. کتاب شهر ممنوعه که خاطرات یکی از افسران جزء است به برخی از اطلاعات پراکنده می‌پردازد و به ریشه‌یابی مسائل مربوط به گارد و انقلاب اسلامی نپرداخته است. اما گفت‌وگو با هاشمی‌نژاد و یزدان نویسی نیز نتوانسته است خلاء اطلاعاتی راجع به عملکرد گارد شاهنشاهی در تقابل با انقلاب اسلامی را پوشش دهد، زیرا این افراد در مصاحبه‌ها خود بیشتر در صدد تبرئه خویش هستند و به علل بسیاری از حوادث در جریان انقلاب نمی‌پردازند. با توجه به خلأ پژوهشی موجود، این پژوهش درصدد است تا بتواند چگونگی تأسیس، ساختار و تشکیلات گارد شاهنشاهی و عملکرد آن را در انقلاب اسلامی بررسی نموده و سپس ناکامی این واحد، علل فروپاشی و سرانجام آن را واکاوی نماید تا گامی مهم در جهت روشنگری بخشی از تاریخ معاصر ایران باشد.

۱ - شکل‌گیری و ساختار گارد شاهنشاهی

گارد شاهنشاهی به عنوان یکی از ارکان نظامی و امنیتی حکومت پهلوی در طول حیات خود دچار تحولات ساختاری و کارکردی زیادی شد. برای درک بهتر چگونگی این تحولات، سیر تاریخی تکمیل و توسعه‌ی این واحد نظامی و امنیتی، از بدو تأسیس حکومت پهلوی بررسی می‌شود.

۱-۱- چگونگی تشکیل گارد شاهنشاهی و استخدام نیرو

با روی کار آمدن حکومت پهلوی و شخص رضاشاه تغییراتی در ساختار نیروهای حفاظتی به وجود آمد. وی دستور داد برای حفاظت او، خانواده و کاخ‌هایش، یک گروهان پیاده از ارتش مأمور شود. چون در تهران دو لشکر وجود داشت یک ماه لشکر یک و ماه بعد لشکر دو گروهان فوق را تأمین می‌کردند. این گروهان اگر در کاخ نبود در لشکر مربوطه خود بود و

چون سربازان آن وظیفه بودند دائماً عوض می‌شدند. ولی فرماندهان لشکر برای اینکه اشکالی پیش نیاید همیشه تلاش می‌کردند همان درجه‌داران و افسران قبلی را اعزام دارند، چون آنها به تدریج با سلیقه رضاشاه آشنا می‌شدند. این وضع تا آغاز سلطنت محمدرضاشاه ادامه داشت. در دوره محمدرضاشاه نحوه حفاظت از وی و خاندان سلطنتی به مانند دوره قبل ادامه یافت. اما رقابتی بین فرماندهان لشکر یک و دو تهران وجود داشت. چون نگهبانی مداوم یک گروهان برای افراد خسته‌کننده بود، لذا با تصویب محمدرضاشاه سه گروهان را به کار گرفتند، که هر روز یک گروهان نگهبانی می‌داد. بدین ترتیب، یک گردان مأمور حفاظت محمدرضا شاه شد که نام آن را «گردان گارد» نهادند و با محاسبه عوامل پشتیبانی حدود ۳۵۰ نفر را دربر می‌گرفت. این «گارد» از تابعیت دو لشکر نیز مستقل شد و مستقیماً تحت امر محمدرضا قرار گرفت و محل اسکان آن باغشاه بود. باز در زمان ریاست محوی، وی یک گردان را کافی ندانست و با تصویب محمدرضا آن را به «هنگ گارد» تبدیل کرد، که شامل سه گردان به اضافه یک گروهان تانک می‌شد، ولی سربازان آن همه وظیفه بودند (فردوست، ۱۳۸۷: ۱۳۵/۱-۱۳۴).

وضعیت گارد حفاظت خاندان پهلوی به همین منوال بود که در اواسط بهمن ماه سال ۱۳۲۷ ش. شاه که در حال بازدید از دانشگاه تهران بود، توسط فردی به نام ناصر فخرایی مورد سوء قصد قرار گرفت و زخمی شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۰۷). این امر بهانه‌ای شد که شاه مخالفان توده‌ای و مذهبی خود را سرکوب نماید و همچنین در صدد اصلاحات و تغییر در ساختار گارد حفاظتی خود برآید. مدتی بعد و در سال ۱۳۲۸ ش گارد جاویدان برای حفاظت بهتر از شاه و خاندان سلطنتی تأسیس شد. حسین فردوست در خاطراتش در مورد چگونگی تأسیس گارد جاویدان نقل می‌کند که محمدرضاشاه خواستار یک واحد مستقل با نام خاص برای حفاظت کاخ شخصی وی و محوطه و درب محوطه بود، ولی نگهبانی سایر کاخ‌ها با همان هنگ گارد باشد (فردوست، ۱۳۸۷: ۱۳۵/۱). نحوه ورود به گارد سلطنتی از طریق آگهی استخدام بود. شرایط سنی برای دانش‌آموزان هفده سال و برای سربازان پیمانی هجده سال تمام بود. برای آموزشگاه گروهبانی مدرک ششم ابتدایی و سیکل نیاز بود و برای افراد پیمانی خواندن و نوشتن کافی بود (آفتاب شرق، ۲۱ شهریور ۱۳۵۳: ۸). سپس با حضور داوطلبان در پادگان‌ها، معاینات و آزمایش‌های پزشکی انجام می‌شد. بعد از رد شدن از این مراحل به فرد لباس نظامی داده می‌شد و به آموزشگاه درجه‌داری می‌رفت و به مدت یک سال دوره می‌دید. به محض ورود به پادگان برای این افراد

حقوقی برای امور ماهانه اختصاص می‌یافت به گونه‌ای که نیاز به کمک مالی خانواده نداشته باشند (گلدوست، ۱۴۰۰، ۱۹-۱۸). فردوست به کمک سرلشکر محمود بهارمست و فردی به نام بهروز که هم‌ردیف سرتیپ بود، لباس‌های گارد را با الهام از دوران باستان طراحی نمودند و شاه از آنان بازدید و تأیید کرد (فردوست، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۳۶) و این‌گونه واحد حفاظتی صاحب لباس‌های یکدست گردید.

۲-۱ - سازمان و تشکیلات گارد شاهنشاهی

هنگ گارد با گذر زمان از لحاظ تعداد نفرات و ساختار تشکیلاتی توسعه پیدا کرد. سپهبد هاشمی‌نژاد که در سال ۱۳۳۹ ش. به گارد شاهنشاهی منتقل شده بود، نقل می‌کند که گارد در این زمان یک تیپ چهار گردانی بود که از یک گردان پیمانی و سه گردان وظیفه تشکیل می‌شد و در مجموع ۲۷۰۰ نفر عضو داشت. فرماندهی تیپ بر عهده تیمسار اویسی بود و هاشمی‌نژاد رئیس ستاد و معاون وی بود. هاشمی‌نژاد مدت هجده ماه رئیس ستاد گارد بود. بعدها اویسی فرمانده لشکر گارد شد و هاشمی‌نژاد فرماندهی ریاست تیپ گارد را برعهده گرفت. تیپ گارد هرچند جزء لشکر گارد بود، ولی زیر امر لشکر نبود و مستقیم از شاه دستور می‌گرفت (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۵). فرمانده گارد همیشه و حتی در روزهای تعطیل با شاه در ارتباط بود و گزارش‌های محرمانه را به وی می‌داد (نویسی، فوریه ۱۹۸۵: ۴۱). از شهریور ۱۳۴۴ ش. سرلشکر قره‌باغی به جای تیمسار اویسی که فرمانده ژاندارمری شده بود، ریاست لشکر گارد را برعهده گرفت و تا مهر ۱۳۴۷ ش فرمانده لشکر گارد بود (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۵؛ هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۹). هنگامی که قره‌باغی فرمانده لشکر گارد شد، شاه به هاشمی‌نژاد فرمانده تیپ گارد گفت قره‌باغی به لشکر می‌آید، اما شما کار خودتان را انجام دهید. این حرف به این معنی بود که او فقط فرمانده لشکر است و فرمانده تیپ گارد در کار خود مستقل است (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۵۰).

در هنگامی که هاشمی‌نژاد در اوایل دهه چهل شمسی بر گارد شاهنشاهی فرماندهی می‌کرد، اعضای گارد کمتر از سه هزار نفر جمعیت داشتند و بیشتر آنان از نیروهای وظیفه بود. از چهار گردانی که در گارد حضور داشتند یکی از آنها گارد جاویدان بود که از افسران و درجه‌داران تشکیل شده بود و سه گردان دیگر نیروی وظیفه داشتند. در سال ۱۳۴۴ ش. اتفاقی رخ داد که شاه و فرماندهان گارد شاهنشاهی را مصمم نمود که ساختار تشکیلات گارد را ارتقا ببخشند و آن

حادثه سوءقصد به جان شاه توسط یکی از نیروهای وظیفه گارد به نام رضا شمس آبادی در کاخ مرمر بود که با تلاش افراد گارد خنثی گردید. شمس آبادی توسط دو افسر به نام‌های باباییان و لشکری کشته شد و این افسران نیز جان خود را از دست دادند. هاشمی‌نژاد معتقد است که شمس آبادی تحت تأثیر فداییان اسلام بود. بعد از اتفاق ۲۱ فروردین تصمیم گرفته شد افراد وظیفه از داخل کاخ خارج شوند، زیرا با توجه به اینکه نیروهای وظیفه بعد از دو سال خدمت به محل زندگی‌شان می‌روند ممکن بود در طول خدمت دچار لغزش شده و مورد سوء استفاده قرار گیرند. بنابراین تصمیم گرفتند که آنها را از محل نگهداری دور کنند و به جای آنها تعداد افراد پیمانی را اضافه کنند (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۰-۳۹). از آن به بعد اعضای گارد شاهنشاهی از بین مطمئن‌ترین درجه‌داران و افسران ارتش انتخاب و استخدام می‌شدند (پارسا بناب، ۱۳۶۳: ۶۴).

در اواخر ریاست هاشمی‌نژاد، گارد شاهنشاهی از چهار تیپ، یک گردان توپخانه، دو گردان تانک و عوامل اسب‌سوار تشکیل شده بود. گارد سه گردان پیمانی نیز داشت و دارای دو گردان تانک (چیفتن انگلیسی و آمریکایی) بود، درحالی‌که در واحدهای دیگر ارتش فقط یک گردان تانک آمریکایی وجود داشت. همچنین وسایل و تجهیزات مهمی از جمله تجهیزات آمریکایی در خدمت گارد شاهنشاهی قرار گرفت. تعداد نیروهای این واحد در سال ۱۳۵۳ ش. به ۳۲ هزار نفر رسیده بود. حدود دو هزار افسر زیر دست هاشمی‌نژاد بود و برای تأمین استان تهران تمامی عوامل از جمله شهربانی، ژاندارمری و سایر عوامل زیر امر فرمانده لشکر قرار می‌گرفت که بیش از ۱۰۰ هزار نفر بودند (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۶۹-۶۸، ۵۶-۵۵).

۳-۱- تفاوت آموزش گارد با سایر نیروها

تعلیمات افراد گارد با ارتش متفاوت بود و آنان در بسیاری از مسابقات در بین نیروهای ارتش رتبه نخست را کسب می‌کردند. آنها با توجه به وظیفه مهمی که برعهده داشتند امکانات بیشتری نیز در اختیار داشتند و از نظر روانی همواره اعضای گارد تحت تعلیم بودند (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۷؛ پیام بهارستان، شماره ۲۰: ۷۸). همچنین آموزش‌های رزمی از جمله آموزش جنگ شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو به افسران گارد شاهنشاهی داده می‌شد (پیام بهارستان، شماره ۱۹: ۶۹) و با ادوات مختلف نظامی آشنا می‌شدند. مانند آشنایی و آموزش افسران گارد شاهنشاهی با هلیکوپتر کبری (پیام بهارستان، شماره ۱۸: ۷۰). سپس برای آمادگی

بیشتر دست به تمرینات نظامی از جمله مانورهای مختلف می‌زدند. برای نمونه مانور یا عملیات رزمی توسط لشکر پیاده گارد در تاریخ ۱۳۵۶/۶/۹ ش. در ارتفاعات جاده علی‌آباد برگزار گردید (پیام بهارستان، شماره ۱۰: ۷۴).

آموزش نیروها در داخل کشور گاه با کمک مستشاران خارجی انجام می‌گرفت. از جمله این موارد می‌توان به دوره آموزشی سروان قاجار در خردادماه ۱۳۳۵ ش. اشاره کرد که توسط گروه آموزشی شماره ۴ در خرم‌آباد ایران و توسط مستشاران آمریکایی انجام گرفت (مراسان، ۲۷۱۵: ۲۲). غیر از آموزش‌های داخلی، افراد گاهی برای توجیه وظایف یا دوره‌های آموزشی به خارج از کشور نیز اعزام می‌شدند (مراسان، ۳۲۱۸: ۷؛ ۱۷۹۶۲: ۶۸-۶۷؛ ۳۵۷۴۶: ۷۵؛ ۳۵۶۷۳: ۱۱؛ ۳۵۶۲۳: ۳۲). این افراد دوره رنجر، چتربازی و کوهستان نیز می‌دیدند که با مشقات فراوانی همراه بود بسیاری از مرییان آموزشی در کشورهای خارجی مانند انگلیس دوره دیده بودند. آرم رنجر، هوا برد و کوهستان روی لباس‌ها نصب می‌شد و این گونه به نیروهای واقعی گارد تبدیل می‌شدند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۲۹، ۲۳). تنوع و تفاوت آموزش نیروهای گارد موجب گردیده بود که این واحد نسبت به سایر یگان‌های ارتش از مهارت و زبده‌گی بهتری برخوردار باشد تا بتواند وظایف مهمی را که بر عهده دارد به بهترین نحو انجام دهد.

۱-۴- وظایف گارد شاهنشاهی

مهم‌ترین وظیفه این واحد در گام نخست حفاظت از خاندان شاهی (مراسان، ۳۵۷۴: ۳) در مکان‌های مختلف و مراقبت از ساختمان‌های سلطنتی اشاره بود (مراسان، ۲۸۲۸، ۱۲۲؛ ۴۳۵۲۴: ۱۰-۹؛ ۳۲۱۸، ۹۶، ۴۸). سپس می‌توان به برقراری نظم در سطح گارد (مراسان، ۳۵۷۴: ۶)، تأمین استان تهران (مراسان، ۱۸۶۳۳: ۲۶)، آمادگی برای انجام وظایفی چون تأمین امنیت مستشاران خارجی (مراسان، ۲۶۴: ۱۹۱-۱۹۰)، استقبال و بدرقه مهمانان شاه (مراسان، ۳۲۱۸: ۷۹) و همچنین راهنمایی آنان در هنگام شرفیابی (مراسان، ۳۵۷۴: ۱۲، ۹) اشاره کرد. در سفرهای داخلی و خارجی نیز شاه را همراهی می‌کردند و امنیت مکانی که شاه حضور می‌یافت را تأمین می‌نمودند (مراسان، ۱۷۹۶۳: ۱۶؛ ۳۲۱۸: ۹۷؛ ۳۲۱۹: ۲۰؛ ۳۵۷۷۵: ۶۵).

با رشد تشکیلات گارد، وظایف آنها نیز تنوع بیشتری یافت. هاشمی‌نژاد می‌گوید: در ابتدا وظیفه گارد حفاظت از خاندان سلطنت بود، اما بعدها مأموریت تأمین کل استان تهران را بر عهده گرفتند (مراسان، ۱۸۶۳۳: ۲۶؛ هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۱۵). همین امر موجب

تفاوت وظایف گارد شاهنشاهی با لشکر گارد گردید. لشکر گارد وظیفه حفاظت منطقه‌ای را تقبل کرد. یعنی بعد از دفاع از کشور وظیفه تأمین تهران را برعهده داشت (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۵۴-۵۵). اما وظیفه گارد شاهنشاهی حفاظت و نگهبانی از خاندان سلطنت، کاخ‌های سلطنتی و اماکنی مربوط به خاندان سلطنت بود (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۰). فرمانده گارد شاهنشاهی مستقیماً تحت امر شاه بود و گزارش‌ها را به وی می‌رساند (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۱۶). تمام کارها از طریق ارتش انجام می‌شد و هیچ قسمتی بر رئیس گارد فرماندهی نمی‌کرد (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۰). گارد جاویدان و گارد شاهنشاهی نیز از لحاظ انجام وظایف تفاوت‌هایی با همدیگر داشتند. گارد جاویدان یک واحد تشریفاتی بود نه یک واحد رزمی، و مسئول حفاظت جان شاه و همسرش و خانواده سلطنتی بود، اما گارد شاهنشاهی ضمن اینکه این مسئولیت را داشت واحد رزمی هم بود. آنها مانند سایر واحدهای ارتش، برنامه تعیین شده از طرف ارتش و در مواردی به گارد جاویدان از نظر حفاظتی منتها در درجه دوم و دورتر کمک می‌کرد. نفرات گارد جاویدان از درجه‌داران تشکیل می‌شد در صورتی که واحدهای دیگر گارد شاهنشاهی از افراد وظیفه نیز تشکیل می‌شد (نویسی، فوریه ۱۹۸۵: ۱-۲). با توجه به این موارد، وظایف گارد شاهنشاهی تنها به محافظت از شاه، اماکن سلطنتی و تشریفات محدود بود و برخلاف سایر واحدهای ارتشی به امور رزمی نمی‌پرداخت.

۲- عملکرد گارد در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی

آغاز اعتراضات به حکومت پهلوی که به انقلاب اسلامی منتهی گردید، محدود به تظاهرات‌های سال‌های پایانی انقلاب نبود، بلکه به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران ریشه این اعتراضات را می‌بایست در حوادث مربوط به قیام سال ۱۳۴۲ جست‌وجو کرد. بنابراین برای روشن‌تر شدن مسائل مربوط به انقلاب اسلامی و چگونگی عملکرد گارد شاهنشاهی در مقابل تحرکات ضدحکومتی، نخست به عملکرد گارد در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ پرداخته می‌شود و سپس رابطه گارد با ساواک و دیگر نیروها و در نهایت حوادث منتهی به انقلاب اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۲- عملکرد گارد شاهنشاهی در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

بسیاری از مورخان و پژوهشگران قیام ۱۵ خرداد را نقطه عطفی اساسی در مسیر شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌دانند. حکومت پهلوی پس از کودتای سال ۱۳۳۲ برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی دست به اقداماتی چون تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید زد، اما به اهداف مدنظر دست نیافت. همچنین در این دوره با نفوذ روزافزون آمریکا و برقراری ارتباط با اسرائیل، قشر مذهبی در مقابل حکومت پهلوی ایستاده بود. با حضور آیت‌الله خمینی در اعتراضات و سخنرانی‌های وی علیه اقدامات حکومت و حمایت اصناف و احزاب مختلف از وی، کم‌کم زمینه‌های قیام فراهم شد و با حادثه مدرسه فیضیه و دستگیری امام خمینی جرعه نهایی این قیام زده شد (ر.ک. رحمتی و غفاری، ۱۳۹۰).

این قیام که مدت سه روز به طول انجامید، صدها کشته بر جای گذاشت و شهرهای بزرگ را هم دربر گرفت. حکومت با سرکوب این قیام جلوی گسترش و سرایت آن را به دیگر شهرها گرفت. شاه پس از قیام ۱۵ خرداد، آیت‌الله خمینی را پس از دستگیری زندانی و سپس به ترکیه و از آنجا به عراق تبعید نمود. هر چند شاه با این اقدام موفق شد قدرت خود را تثبیت نماید، اما بسیاری از مورخان بر این باورند که کشتارهای ۱۵ خرداد آتش زیر خاکستری بود که در سال ۱۳۵۷ شعله‌ور گردید و حکومت پهلوی را سرنگون ساخت. این قیام به مانند نهضت تنباکو که تمرینی برای انقلاب مشروطه بود، در واقع مقدمه‌ای برای انقلاب بزرگ سال ۱۳۵۷ بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۲۴-۵۲۲).

درباره نقش گارد شاهنشاهی در امور اجرایی و سرکوب‌های عمومی مطالب اندکی تا قبل از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ وجود دارد. نخستین مورد آن در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط تیمسار نصیری که در آن زمان درجه سرهنگی داشت انجام گرفت. وی حامل نامه فرمان عزل مصدق بود که به منزل وی برد و در نتیجه بازداشت شد. پس از آن گارد دیگر کار مهمی انجام نداد (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۷۱).

اولین استفاده عملی از گارد تقریباً از سال ۱۳۴۲ ش. آغاز شد. در وقایع مربوط به ۱۵ خرداد سال ۴۲ ش. لشکر گارد به فرماندهی اویسی عملاً همراه شهربانی وارد عمل شده بود، زیرا لشکر گارد وظیفه تأمین تهران را عهده‌دار بود. تعداد افراد شهربانی کافی نبود و لشکر گارد مجبور به دخالت بود. هاشمی‌نژاد می‌گوید تیپ گارد شاهنشاهی در آن زمان نقش عمده‌ای را بدون

خونریزی بازی کرد. لازم به ذکر است که در آن زمان تیپ گارد واحدی جدا از لشکر گارد بود. در روز ۱۵ خرداد تیپ گارد دو گردان را در کاخ نگه داشت، گردان جاویدان تحت فرماندهی سرگرد نشاط و گردان وظیفه تحت فرماندهی سرگرد ریاحی. اما لشکر گارد همراه با شهربانی و ژاندارمری در کل شهر درگیر حوادث و قیام مردم بودند (هاشمی نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۸۸، ۸۶-۸۵).

علم نخست‌وزیر در آن روز گفته بود اگر یک میلیون نفر هم کشته شود باید امنیت برقرار شود و این حرف باعث شد که نظامیان در کارشان ثابت‌قدم شوند. فرمانده عملیات آن روز تیمسار نصیری رئیس شهربانی و تیمسار اویسی فرمانده لشکر گارد بودند. هاشمی نژاد گزارش می‌دهد در این روز حدود سی هزار نفر به طرف کاخ شاه حرکت کرده بودند که اعضای تیپ گارد با آموزش‌های ضدآغتشاشی که دیده بودند موفق شدند این افراد را بدون خونریزی از اطراف کاخ پراکنده کنند. در آن روز شاه از کاخ شاهی در شهر تهران با اسکورت به کاخ سعدآباد رفت. با دستور شاه یکی از گردان‌های تیپ که در باغ شاه مستقر بود به کمک لشکر گارد رفت و هاشمی نژاد معتقد است که همین گردان مانع از آتش‌زدن پیسی کولا و جاهای دیگر در غرب تهران شده است (هاشمی نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۹۴-۸۹).

در مورد وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دستگیری آیت‌الله خمینی و همچنین نقش گارد شاهنشاهی اسنادی بر جای مانده است که با بررسی آنها نقش و کارکرد گارد شاهنشاهی در این وقایع روشن می‌شود. طبق گزارش سازمان اطلاعات امنیت کشور آیت‌الله خمینی به اتهام اقدام برضد امنیت داخلی مملکت در تاریخ ۴۲/۳/۱۵ ش دستگیر و بازداشت و برای محاکمه به بازپرسی یکم لشکر گارد معرفی می‌شود. این اقدام حتی با اعتراض آیت‌الله خمینی همراه است و ساواک می‌خواهد که گارد آنها را در روند اقداماتشان قرار دهد (مراسان، ۷۹۶: ۱۰۶-۱۰۳). علت اینکه گارد شاهنشاهی در جریان امور مربوط به دستگیری و سرکوبی قیام سال ۱۳۴۲ قرار می‌گرفت این بود که اخبار مربوط به بازجویی‌های امام خمینی و سایر افراد توسط ساواک و از طریق گارد شاهنشاهی به نظر شاه می‌رسید.

۲-۲- رابطه گارد با ساواک و دیگر نیروها

نیروهای گارد شاهنشاهی در این دوران در کارهای امنیتی و تأمین تهران به ساواک و شهربانی کمک می‌کردند. برای مثال حزب زحمتکشان نیز در مخالفت با حکومت پهلوی جلساتی را برپا

می‌کند. ساواک همواره این‌گونه جلسات را رصد می‌کرد و گزارش‌های لازم را جهت بررسی و برخورد با این‌گونه جلسات به مقامات عالی گزارش می‌داد. برای نمونه یکی از حوزه‌های حزب زحمتکشان ملت ایران در محل سازمان نگهبانان آزادی به تاریخ ۱۳۴۲/۱/۱۱ ش. جلسه‌ای را تشکیل داد. طبق محتوای این سند، نیروهای گارد شاهنشاهی به کمک نیروهای امنیتی شتافته و در این سرکوب ایفای نقش می‌کنند (مراسان، ۱۹۳۶: ۲-۳)، اما با توجه به وظیفه گارد شاهنشاهی که به حفاظت از شاه و ساختمان‌های سلطنتی می‌پردازد، به نظر می‌رسد که این کار توسط نیروهای لشکر گارد انجام گرفته باشد.

در تاریخ ۱۳۴۲/۴/۵ نیز سرکار ستوان شاهسون افسر گارد شاهنشاهی که در خیابان شرقی عشرت‌آباد (توتونچی) سکونت دارد، اطلاع می‌دهد صاحب این خانه فردی به نام انیس مستوفی است. به این منزل تلفن می‌شود و افسر مزبور ضمن استراق سمع متوجه می‌شود که یک نفر به خانم انیس مستوفی اظهار می‌کند که خبر دارم که آقا (امام خمینی) را منتقل کرده‌اند. همین افسر اطلاع می‌دهد که آقای خمینی دایی خانم انیس مستوفی است. گزارش را گارد شاهنشاهی برای اقدامات لازم به ساواک ارسال می‌کند (مراسان، ۱۱۶: ۸۸-۸۹). ساواک بر اساس گزارش دریافتی از گارد شروع به تحقیق از خانه مذکور می‌کند. با انجام تحقیق متوجه می‌شود که این خانه متعلق به بانو پناهی همسر سابق افسر ارتش مستوفی و خواهرزاده آیت‌الله خمینی است و مجاور منزل ذکرشده خواهر آیت‌الله خمینی سکونت دارد. ساواک اخبار مهمی دیگری را بر مبنای این گزارش کسب می‌کند (مراسان، ۱۱۶: ۹۰). دادن گزارش‌ها و کمک‌های گارد شاهنشاهی به ساواک باعث می‌شد که آنان بتوانند نیروهای مخالف را دستگیر و یا رصد کنند.

پیگیری و دستگیری افرادی که در قیام ۱۵ خرداد دست داشتند توسط نیروهای امنیتی از جمله ساواک ادامه داشت و به محض دریافت گزارش‌های مختلف در این مورد، بی‌درنگ اقدامات لازم را در این جهت انجام می‌دادند. در یک مورد یکی از درجه‌داران لشکر گارد گزارشی راجع به سرده‌های این قیام برای ساواک ارسال می‌کند و ساواک در مورد صحت و سقم آن دست به تحقیق و بررسی می‌زند و اطلاعات مربوط به شخص نامبرده را جهت تحقیقات بیشتر جمع‌آوری می‌نماید (مراسان، ۱۲۱: ۵-۱). در موردی دیگر دادگاه تجدیدنظر لشکر ۱ گارد پرونده اتهامی غیرنظامیانی را که به اتهام ایجاد بلوا و آشوب و نهب و غارت در جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲، مورد بررسی قرار می‌داد (مراسان، ۱۲۱: ۱۷). با توجه به اسنادی که از این دوره بر

جای مانده است گارد شاهنشاهی با همکاری ارگان‌هایی مانند شهربانی و ساواک نقش مهمی در کمک به سرکوبی قیام ۱۵ خرداد ایفا نمود.

بعد از رخداد‌های سال ۱۳۴۲ مخالفت با حکومت به صورت پنهان در جریان بود و کمتر به صورت علنی تظاهرات‌هایی برپا می‌شد. در این زمان گارد شاهنشاهی غیر از وظیفه اصلی‌اش که حفاظت از خاندان سلطنتی بود، در کارهای اطلاعاتی نیز به ساواک کمک می‌رساند. گارد حتی اخبار سطحی جامعه را منعکس می‌کرد. مثلاً در گزارشی به ساواک در تاریخ ۱۳۴۶/۱۰/۳۰ ذکر می‌کند که چند روز قبل یک تاکسی در حالی که عکسی از تختی را با پرچمی حمل می‌کرد مشاهده گردیده است که راننده علت خودکشی تختی را چنین بیان داشت: «او فرد مسلمانی بود و کسی که قرآن می‌خواند خودکشی نمی‌کند، چون جزو جبهه ملی بود از طرف دولت او را کشته‌اند.» ساواک نیز دستور می‌دهد که راننده مذکور دستگیر و مورد بازجویی قرار گیرد (مراسان، ۲۲۱۹: ۲۰).

یکی از مکان‌هایی که نقش مهمی در هدایت فکری مردم و دانشجویان را در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی برعهده داشت، حسینیه ارشاد بود. در دی ماه سال ۵۲ ش. گارد شاهنشاهی از طرف شاه درباره ارتباط انجمن اسلامی دانشکده نفت آبادان با حسینیه ارشاد به ساواک نامه‌ای را ارسال کرده بود که تحقیقات لازم را در این زمینه انجام دهد. سازمان اطلاعات و امنیت کشور نیز اقدامات خود از جمله تعطیلی این مدرسه و دستگیری افراد مرتبط با آن را به اطلاع شاه می‌رساند (مراسان، ۲۳۱۴: ۸۸-۸۶). با بررسی اسناد و منابع این دوره همکاری گارد با ارگان‌های دیگر چون لشکر گارد، ساواک و شهرداری مشخص می‌گردد (مراسان، ۲۸۵: ۶۵؛ ۲۹۰: ۸۹؛ ۵۰۰: ۱۲؛ هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۶۲-۶۱). این همکاری‌ها اغلب به منظور تأمین امنیت شاه و خانواده سلطنتی صورت می‌گرفت.

۳ - عملکرد گارد شاهنشاهی در حوادث منتهی به انقلاب اسلامی

در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی، سرکوبی تظاهرات‌ها برای گارد شاهنشاهی به یک چالش اساسی تبدیل شده بود. وظیفه اصلی این واحد حفاظت از شاه و اماکن سلطنتی بود، اما با این حال تا حدودی در این امر مشارکت نمود. اسناد این دوره به خوبی نقش این واحد در حوادث منجر به انقلاب را منعکس کرده‌اند که در ادامه عملکرد این یگان بررسی می‌شود.

۱-۳- واکنش به تظاهرات ها

تا قبل از زمستان ۱۳۵۶ش. یک آرامش و امنیت نسبی در کشور برقرار بود و به تبع آن کار و فضای فکری اعضای گارد نیز آرام بود، هر چند برخی اوقات بمب گذاری هایی توسط گروه های مخالف سلطنت اتفاق می افتاد و مستشاران آمریکایی و یا مقامات ایرانی کشته می شدند، اما هیچ وقت به کاخ های سلطنتی حمله ای نمی شد (گلدوست، ۱۴۰۰: ۵۸). از زمستان ۱۳۵۶ که تظاهرات مردمی شروع شد و مخالفت های علنی به راه افتاد، کم کم آن حالت اطمینان و استحکام تغییر کرد. اما در روش کار گارد تغییر خاصی ایجاد نشده بود. آنها احتیاط بیشتری کرده و سفرها و بازدیدها مثل قبل ادامه داشت، مانند سفر به مناطقی مثل گیلان، قزوین، لرستان و چهارمحال بختیاری (گلدوست، ۱۴۰۰: ۶۰).

جبهه ملی ایران هم در اقدامات و تظاهراتی که در این دوره زمانی انجام می شد گارد شاهنشاهی را نیز از جمله نیروهای سرکوب گر می داند که با سایر نیروها در این امر مشارکت داشته اند. این حزب در اعلامیه در آذرماه ۱۳۵۶ش. تحت عنوان اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران نسبت به سرکوب های حکومت پهلوی واکنش نشان می دهد (مراسان، ۱۳۷: ۷۱-۷۲).

تظاهرات و درگیری های تهران، تبریز و قم مثل رگبارهای بهاری ناگهانی و سریع رخ داده بود و به هیچ وجه تهدید سختی محسوب نمی شد. اصلاً موضوع سقوط رژیم مطرح نبود و بیشتر یک بحران سیاسی به نظر می آمد که فروکش می کند، اما برای رژیم بدنامی برجای گذاشت. بعد از اتفاق وحشتناک میدان ژاله، انقلاب با چنان سرعتی پیش رفت که برای همه حیرت انگیز بود. دولت ها یکی پس از همه می آمدند و سرنگون می شدند. رژیم سلطنتی شبیه به ساختمانی شده بود که زمین لرزه ای در بنیادش رخ داده و عنقریب فرو می ریزد. طبق قوانین حکومت نظامی، مرخصی ها لغو شده بود و نیروهای گارد شاهنشاهی به صورت فشرده در مقر گارد مستقر بودند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۶۵-۶۴).

در سال های پایانی حکومت پهلوی و در اوج اعتراضات ستاد بحرانی در ارتش تشکیل گردید که انتخاب فرماندهان و صاحبان مشاغل مهم در این کمیته انجام می گرفت. در این زمان از طرف شاه اوامری به نیروی زمینی و گارد شاهنشاهی ابلاغ گردید. طبق این اوامر سرلشکر پرویز امینی افشار فرمانده لشکر گارد برای ریاست اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتاران انتخاب شد. سرلشکر ریاحی به سمت فرماندهی لشکر گارد و سپهبد مهدی رحیمی (فرمانده) گارد شاهنشاهی که از

ابتدای اعلان حکومت نظامی سمت معاونت عملیات فرمانداری نظامی تهران را بر عهده داشت، برای فرمانداری نظامی تهران و حومه انتخاب شد. ارتشبد اویسی گفته بود برای گارد شاهنشاهی فرمانده تعیین نشود و سرلشکر بیگلری معاون گارد شاهنشاهی تحت نظارت سپهبد بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی، گارد شاهنشاهی را اداره نماید (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۱۲۹).

با اوج‌گیری اعتراضات، نیروهای امنیتی و ژاندارمری به منظور برخورد با معترضین جلساتی را برگزار می‌نماید و در این مورد تصمیماتی اتخاذ می‌کند (مراسان، ۱۳۷۴۱: ۶). ژاندارمری برای غلبه بر وضع موجود خواهان به‌کارگیری یگان‌های ضربت و آماده نمودن پرسنل آشنا به آموزش کنترل اغتشاش به‌طور مداوم بود که در صورت لزوم به کارگیری شوند. از طرفی وسایل و تجهیزات مخصوص برای آموزش مورد نیاز بود که از طریق نامه به مقامات بالاتر نسبت به تحویل وسایل و تجهیزات از قبیل نارنجک‌های کنترل اغتشاشات، ماسک ضد گاز، سپر، باطوم، و سایر اقلام اقدام می‌شود (مراسان، ۱۳۷۴۱: ۵). نیروهای امنیتی از جمله ارتش برای تأمین تهران و کنترل اعتراضات در این زمان به کمک شهربانی یا پلیس پایتخت می‌شتابند و برای این امر تقسیم کار انجام می‌دهد (مراسان، ۱۳۷۴۰: ۴۰۵۳۷: ۱۵۷).

برخی اسناد روایت می‌کنند که در اعتراضات، برای کشتن افراد حتی پول می‌پردازند. برای مثال روز ۵۷/۹/۲۱ ش. غلامرضا صادقی خدمتگذار سازمانی امور روستای اسفراین ضمن صحبت اظهار داشته پیرعلی زارعی گروه‌بان گارد شاهنشاهی می‌گفت به سربازان ۱۰۰ تومان می‌دادند و برای کشتن هر نفر به شخص ضارب چهار هزار تومان می‌دهند. اظهار داشته این پول‌هایی که می‌دهند از کجا می‌آورند، همه‌اش دزدیده شده است حالا برادر کشی یک نوع مسلمانی برای شاه است (مراسان، ۱۳۷۴: ۱۰۴).

گارد در برخی موارد برای کمک به پلیس وارد عمل می‌شد به گونه‌ای که ساعت ۹:۴۵ روز ۱۳۵۵/۲/۲۱ دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران ضمن دادن شعار با سنگ به مأمورین گارد حمله کردند و گارد متقابلاً به آنها حمله برد و از داخل دانشکده بیرون کرد لذا در اطراف خیابان ۲۱ آذر پراکنده گردیدند. ضمناً دو نفر از دانشجویان به اسامی زهرا نوع‌پرور ۲۱ ساله دانشجوی سال سوم فنی و آلوارد پتروسیان فرزند آرتاش ۲۱ ساله دانشجوی سال فنی توسط مأمورین کلاتتری ۷ دستگیر شدند که در این مورد پرونده‌ای تنظیم و تحت رسیدگی قرار گرفت (مراسان، ۱۳۷۴: ۴۰۳). مردم نیز در مقابل سرکوب مأمورین دست به خلافت می‌زدند و

حتی اعلامیه‌های در جهت چگونگی خنثی‌نمودن اثرات باتوم الکتریکی بین تظاهرکنندگان پخش می‌شد (مراسان، ۲۱۳۵: ۴۵-۴۶).

نیروهای گارد شاهنشاهی در هنگام تظاهرات‌های انقلاب اسلامی دارای حدود ۳۲ هزار نفر عضو بود. هاشمی‌نژاد می‌گوید در جریان انقلاب گارد نیز به همراه شهربانی درگیر بود، زیرا وقتی شهربانی نمی‌توانست به فرمانده تأمین تهران اطلاع می‌داد تا وارد کار شود. اما وی معتقد است آنچنان که باید به ارتش اجازه سرکوب تظاهرات‌های منتهی به انقلاب اسلامی داده نمی‌شد (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۹۷-۹۶).

۲-۳ - فرسایش معنوی و نفوذ گفتمان انقلاب در نیروها

نیروهای گارد شاهنشاهی در جریان انقلاب به مردم گرایش زیادی یافتند و چندان رغبتی برای سرکوبی قیام‌ها نداشتند. شور و هیجان انقلاب تا اعماق صفوف ارتش وارد شده بود. حتی داخل گارد افرادی بودند که مستقیم با انقلابیون ارتباط داشتند، درحالی‌که یک نظامی در صورت دستگیر شدن به اتهام فعالیت براندازانه حتماً اعدام می‌شود برخلاف افراد غیرنظامی که احکام به مراتب سبک‌تری می‌گیرند. اما ارتشی‌های انقلابی به کاری که می‌کردند ایمان داشتند و خطرش را هم با جان‌ودل پذیرفته بودند. برای نمونه یک انباردار به نام کورژدهی در گارد حضور داشت و اعلامیه‌های امام را پنهان می‌کرد و با خودش به داخل پادگان می‌آورد و بین سمپات‌هایی که داشت توزیع می‌کرد. کار بسیار خطرناکی بود که حتی سرگرد مافوق آن را دید، ولی به روی خود نیاورد و به استوار گفت بیشتر احتیاط کن (گلدوست، ۱۴۰۰: ۶۵-۶۶).

در بحبوحه تظاهرات‌ها وقتی چند تن از نیروهای گارد به صورت ناگهانی با مردم روبه‌رو شدند یکی از نیروها بر اثر دستپاچگی و تشویش فکری دستش به ماشه اسلحه خورد و ناگافل یک رگبار هوایی شلیک کرد. از صدای مهیب گلوله مردم فرار کردند و چند نفر به هم خوردند و بر زمین افتادند اما بعد از انقلاب همین حادثه برایش پرونده شد و به دادگاه انقلاب احضار شد. اتهامش قصد کشتار انقلابیون و شلیک به تظاهرکنندگان بود. اما بیست‌وشش نفری که آن روز در صحنه حاضر بودند همه در دادگاه حاضر شده و شهادت دادند که شلیک هوایی کاملاً اتفاقی بوده و ایشان هرگز قصد صدمه‌زدن به مردم را نداشته است و سروان باقری از مرگ حتمی نجات پیدا کرد (گلدوست، ۱۴۰۰: ۶۵-۶۶). این نوع رفتارها نشان می‌داد که نیروهای گارد به مردم وابستگی داشته و از سر اجبار به برخی از مأموریت‌ها اعزام می‌شدند.

در هنگام تظاهراتها و سرکوبها برخی از اعضای ارتش آرام آرام به صف مردم و مخالفین می پیوستند و در این راستا اعلامیه‌های را برای حمایت از حرکت مردم و آیت الله خمینی صادر می کردند. در سال ۱۳۵۷ یکی از اعلامیه‌های ارتش که خطاب به نیروهای ارتشی به خصوص گارد شاهنشاهی و شهربانی و ژاندارمری صادر شده بود به دست ساواک قم رسید که آن را برای ساواک مرکز ارسال نمود (مراسان، ۱۴۰۳: ۳۶-۳۴).

تحرکات انقلابیون در ارتش نیز بر نیروهای گارد تأثیر زیادی داشت و این واحد را نیز از درون فرسوده کرده بود لذا همین امر موجب رخدادهای زیادی شد. در آذر ماه ۱۳۵۷ و در روز عاشورا چندین افسر و سرباز گارد شاهنشاهی وارد سالن غذاخوری پادگان لویزان شدند و همه افسران و درجه داران حاضر در سالن را بدون اینکه بپرسند چه کاره هستند و چه عقیده‌ای دارند به گلوله بستند. در این حادثه حدود پنجاه نفر کشته و زخمی شدند که در میان آنان افسران انقلابی هم بودند. این حادثه در تاریخ ارتش صد ساله ایران بی سابقه بود و باعث تشویش و سردرگمی امیران ارتش شد. این اقدام پیام روشنی بود که وفاداری و ثبات ارتش شاهنشاهی از درون در حال محو شدن است (گلدوست، ۱۴۰۰: ۶۷-۶۶). کلیه حمله کنندگان به غیر از یک سروان هوانیروز که دستگیر شد، کشته شدند (قره باغی، ۱۳۶۵: ۷۳). در اسناد مربوط به این دوره شرح این حادثه که مربوط به روز عاشورا در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۰ است، توسط چریک‌های فدایی خلق به این صورت ارائه شده است و خبر از کشته شدن عده زیادی از افسران عالی رتبه گارد شاهنشاهی و درجه داران گارد و زخمی شدن عده زیادی می دهد (مراسان، ۳۴۴۲: ۲).

هاشمی نژاد در مورد گرایش ارتشیان به انقلاب و مردم می گوید: چون این افراد از بدنه ملت هستند و با مردم در ارتباطند و بسیاری از آنان از درجه دار گرفته تا سرباز پایبند به مذهب هستند، همین امر موجب می شود که آنان به تدریج سست شوند و به مرور زمان سربازان از خدمت غیبت می کردند. با استمرار این اوضاع لشکرها به خصوص در تهران از هم پاشیده شدند (هاشمی نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۹۹-۹۸). هاشمی نژاد برای جذب افراد مذهبی یک مسجد در گارد ساخت و روحانیون معتدل را برای سخنرانی دعوت می کرد (هاشمی نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴۳) تا نیروهای گارد را تا حدودی کنترل نماید.

با وجود تمهیدات به کار گرفته شده، نیروهای مخالف زیادی در گارد حضور داشتند و در امور مختلفی چون چاپ و پخش اعلامیه‌های امام خمینی مشارکت می کردند. این اعلامیه‌ها را معمولاً

در داخل پادگان توزیع می کردند که کار بسیار خطرناکی بود. در برخی مواقع حتی نیروهای مافوق نیز در این مورد چشم پوشی می کردند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۶۶-۶۵). طبق روایتی آیت الله بهشتی در آذر ۱۳۵۷ جلسه محرمانه‌ای با مقامات حکومت پهلوی برگزار کرده و به آنها گفته بود: «از درجه سرهنگ و پایین تر، همه به انقلاب معتقدند و دیگر با شما نیستند. شما با کدام نیروی نظامی می خواهید جلوی انقلابیون بایستید؟» سروان کلاهدوز از جمله کسانی بود که در حادثه ناهارخوری پادگان حضور داشت که آسیبی ندید و بعد از انقلاب به عضویت گروه مؤسسان سپاه پاسداران درآمد (گلدوست، ۱۴۰۰: ۶۷).

در بحبوحه تظاهرات‌ها رفت و آمد به کاخ شاهی ادامه داشته که بسیاری از آنها ناشناس بودند. نیروهای گارد در برخی شب‌ها در این اوضاع برای آوردن مهمانان خارجی به فرودگاه می رفتند. میهمان‌ها برخلاف روال قبل، سوار خودروهای بدون پرچم می شدند و پنهانی در نیمه شب برای مشاوره به دیدار شاه می رفتند و شبانه هم برمی گشتند که اغلب این افراد اسرائیلی و غربی بودند. آخرین مأموریت گارد، اسکورت شاه توسط یگان حفاظت بود که در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۵۷ وی را برای خروج از کشور به فرودگاه رساندند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۷۰-۶۹). شاه با بدرقه مسئولین و نظامیان بلندپایه کشور را ترک کرد (قره باغی، ۱۳۶۵: ۱۸۲).

۳-۳ - بحران وفاداری

پس از خروج شاه از کشور تا حدودی ارتباطات تلفنی با اعضای گارد شاهنشاهی برقرار بود. فرح دیبا همسر شاه تلفنی از سرلشکر نشاط فرمانده گارد جاویدان درخواست می نماید که وسایل شخصی و آلبوم عکسی را که در اتاقشان هست برای وی بفرستد. سپهبد بدره‌ای نیز اجازه داد که با یک هواپیمای نیروی هوایی این وسایل را به قاهره بفرستند. شاه در این مدت نیز چندین بار تلفنی با سرلشکر نشاط ارتباط برقرار کرده بود. وضعیت عمومی کشور بعد از خروج شاه به طور روزافزونی به وخامت گرایید. با خروج شاه روحیه نظامیان تضعیف گردید و در بازدید فرماندهان از یگان‌های مختلف از جمله گارد جاویدان وضعیت این نیروها رضایت بخش گزارش نشده است (قره باغی، ۱۳۶۵: ۲۵۲، ۱۷۰).

بر اثر اعتقاد نیروهای مسلح و همچنین تبلیغات انقلابیون، توجه نیروها به روحانیون و انقلابیون بیشتر می شد و سربازان زیادی از پادگان‌ها فرار می کردند. حتی سربازان لشکر گارد که وظیفه

تأمین تهران را داشتند پس از مأموریت‌ها به سربازخانه مراجعت می‌کردند و اسلحه خود را روی تخت‌خواب‌ها انداخته و از روی دیوارها فرار می‌کردند (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۳۴۱، ۲۷۱-۲۷۰، ۲۰۶). ارتشبد قره‌باغی در این زمان اعلام نمود که ارتش در امور سیاسی دخالت نمی‌کند و از دولت قانونی حمایت خواهد نمود. البته منظور قره‌باغی اعلام حمایت از دولت بختیار در برابر دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان بود که از طرف امام خمینی منصوب شده بود. یگان‌های مختلف ارتش و برخی از فرماندهان نظامی با انقلاب اعلام همبستگی می‌کردند و در ۱۹ بهمن گروهی از نظامیان به ملاقات امام خمینی رفتند (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۳۱۰-۳۰۸).

در اواسط بهمن‌ماه برای روحیه‌دادن به نیروهای نظامی قرار شد که فرماندهان از جمله قره‌باغی از پادگان‌ها دیدن کنند. سپس اعلام کردند به علت بی‌نظمی و فرار سربازان شرایط لازم برای بازدید وجود ندارد لذا نخست از گارد شاهنشاهی بازدید را آغاز کنید تا سایر فرماندهان بتوانند واحدهای خود را آماده کنند. اولین یگان، سربازخانه گارد جاویدان بود که در لویزان و در روز پنج‌شنبه ۱۹ بهمن‌ماه مورد بازدید قرار گرفت. در ۲۱ بهمن نیز سرلشکر بیگلری معاون گارد شاهنشاهی و سپهد بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی در مراسم صبحگاه سربازخانه تیپ سوم لشکر گارد شرکت کرده و به سخنرانی پرداختند (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۳۱۵، ۳۱۳).

به‌رغم تمهیدات فرماندهان نظامی وضعیت یگان‌های نظامی آشفته‌تر می‌شد. همافران و پرسنل نیروی هوایی که قبلاً گزارش‌هایی از همبستگی آنان با انقلاب بازتاب یافته بود با نیروهای لشکر گارد که به دوشان‌تپه اعزام شده بودند درگیر شده و اقدام به تیراندازی می‌کنند. انقلابیون به کمک آنان شتافته و مقادیر زیادی سلاح به دستشان می‌افتد. در کمیته بحرانی که تشکیل شده بود، قره‌باغی از سپهد بدره‌ای به عنوان فرمانده نیروی زمینی و سرپرست گارد شاهنشاهی می‌خواهد از نیروهای گارد شاهنشاهی و گارد جاویدان برای سرکوب مرکز آموزش همافران در دوشان‌تپه استفاده نماید، اما وی می‌گوید با توجه به مأموریت خاص گارد جاویدان نیازی به اعزام آنان نیست (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۳۲۹-۳۲۸، ۳۱۵). اما لشکر گارد به ریاست سرلشکر ریاحی با تعدادی تانک به دوشان‌تپه اعزام شد که مردم راه را بر آنان بستند. هنگامی که قره‌باغی از سپهد بدره‌ای پرسید چرا از گارد جاویدان استفاده نمی‌کنید؟ جواب داد که سرلشکر نشاط فرمانده گارد جاویدان موافقت نمی‌کند و اظهار می‌کند که گارد جاویدان مأموریت مخصوص (حفاظت از ساختمان‌های سلطنتی) دارد. قره‌باغی معتقد است که علت سرپیچی سرلشکر نشاط از

سرکوب همافران، اعلام همبستگی وی با کمیته امام خمینی در ۲۱ بهمن بوده است که همراه سرلشکر بیگلری و تعدادی دیگر در برنامه رادیویی شرکت و نسبت به بی‌طرفی گارد شاهنشاهی و همراهی با مردم صحبت نموده است (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۳۳۹-۳۳۷).

به نظر می‌رسد که وابستگی گارد شاهنشاهی و ارتباط مستقیم با شخص شاه یکی از دلایل عدم کارآیی این واحد در روزهای پایانی انقلاب بود. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، گارد از بدو تأسیس به‌طور مستقیم زیر نظر شاه کار می‌کرد و از هیچ‌کدام از واحدهای ارتش دستور نمی‌گرفت و همین امر باعث شده بود که پس از خروج شاه از کشور گارد دچار خلاء فرماندهی و سردرگمی شود و نتواند واکنشی در برابر نیروهای انقلابی نشان دهد. این امر در کنار ضعف روحی، وابستگی مذهبی و مردمی نیروها موجب شد که در روز ۲۲ بهمن ماه با حضور ۲۷ نفر از فرماندهان ارتش، بی‌طرفی نیروهای مسلح اعلام گردد (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۳۵۰-۳۴۹) و سرانجام بعد از مبارزات بسیار انقلاب اسلامی به ثمر برسد.

۴- فروپاشی و سرانجام گارد شاهنشاهی

با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سلطنتی و نهادهای وابسته به آن، از جمله گارد شاهنشاهی برچیده شدند، زیرا این نهادها نمادی از استبداد و وابستگی حکومت پهلوی بودند و در ساختار جدید جایگاهی نداشتند. در این میان گارد و اعضای آن سرنوشت پرفراز و نشیبی داشتند که به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱- وضعیت گارد شاهنشاهی در اوایل پیروزی انقلاب

در طول بهمن ماه ۱۳۵۷ یگان گارد همچنان در پادگان سلطنت آباد مستقر بود و طبق برنامه از کاخ‌های خالی از سکنه حراست می‌کرد. همچنین به دلیل آماده‌باش، اکثر نیروها خانه نرفته بودند و روز ۲۲ بهمن نیروهای گارد هم پادگان‌ها را رها کردند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۷۴-۷۳). پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیروهای گارد مدتی خانه‌نشین بودند. پس از گذشت بیست روز رادیو اعلام کرد نیروهای گارد می‌بایست در ستاد فرماندهی نیروی زمینی حاضر باشند. بسیاری از انقلابیون دیدگاه مثبتی نسبت به نیروهای گارد نداشتند و هنگامی که نیروهای گارد برای انجام وظیفه فراخوانده شدند نزدیک بود توسط نیروهای انقلابی قتل‌عام شوند و گویا در پشت پرده وقایعی در جریان بود. علت این بود که بعد از انقلاب تبلیغات علیه ارتش توسط بسیاری از

گروه‌ها مثل مارکسیست‌ها و مجاهدین خلق در جریان بود و حتی تعداد زیادی از روحانیون را هم با خود همراه کرده بودند. در این میان نیروهای تعلیم‌دیده و متخصص ارتش مثل گارد شاهنشاهی و واحدهای رنجر و تکاور به‌شدت مورد هجوم و سوءظن بودند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۷۷). خبر این اقدام به آیت‌الله طالقانی می‌رسد و آن روحانی شریف و پارسا به‌سرعت دست‌به‌کار شده و به مجریان این اقدام می‌گوید اگر این کار را انجام دهید از نظر شرعی قاتل هستید و هیچ فرقی با جنایتکاران عادی ندارید. کار شما آدم‌کشی است و هیچ ارتباطی با انقلاب اسلامی ندارد. توجیه آنها این بود که نیروهای گارد جاویدان نظامی‌های وفادار به شاه هستند و وجودشان برای انقلاب خطرناک است. به‌رحال آیت‌الله طالقانی با امام تماس می‌گیرد و موضوع را اطلاع می‌دهد. امام دستور قاطع می‌دهد که همه عناصر گارد جاویدان مانند بقیه ارتشی‌ها آزاد هستند و فقط کسانی که در سرکوب و کشتار مردم دست داشته‌اند، باید تحویل دادگاه انقلاب شوند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۷۶-۷۵). بدین ترتیب اکثر نیروهای گارد از سوءظن‌های افراطی نجات یافتند.

۲-۴ - سرانجام فرماندهان گارد شاهنشاهی

با پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از فرماندهان ارتش از کشور خارج و تعدادی نیز دستگیر و محاکمه شدند. محسن هاشمی‌نژاد از فرماندهان سابق گارد شاهنشاهی، شاه را تا آمریکا همراهی کرد و به مرخصی رفت، ولی با وقوع انقلاب اسلامی دیگر به ایران برنگشت (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۱۴). در زمان فرار شاه بیست نفر از افراد گارد همراه وی از کشور خارج شدند، اما بعد به علت اینکه خانواده و اقوامشان در ایران بودند با هواپیمای شهباز برگشتند. آنها بعد از ۴۸ ساعت بازداشت در بخش‌های مختلف ارتش مشغول به کار شدند (هاشمی‌نژاد، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹: ۴). سپهبد بدره‌ای از فرماندهان پیشین گارد شاهنشاهی و فرمانده نیروی زمینی ارتش در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، زمانی که مردم به پادگان لویزان حمله‌ور شده بودند مجروح گردید و بر اثر این جراحات در بیمارستان کشته شد. سرلشکر بیگلری جانشین فرمانده گارد جاویدان نیز به نقل از روزنامه اطلاعات توسط راننده با سه گلوله کشته شد (قره‌باغی، ۱۳۷۹: ۴۵، ۴۰-۱۴). ارتشبد قره‌باغی از فرماندهان اسبق لشکر گارد نیز پس از چندین ماه اختفا در تهران به پاریس فرار کرد (قره‌باغی، ۱۳۷۹: ۱۲۹-۱۲۷).

سرلشکر علی نشاط فرمانده گارد جاویدان دستگیر گردید و در دادگاه‌های انقلاب مورد محاکمه قرار گرفت و به اعدام محکوم شد. وی بعد از نوشتن نامه‌ای به خانواده و سفارشات در مورد فرزندان و اموالش، در سال ۱۳۵۸ اعدام گردید (مراسان، ۱۸۶۳۴: ۵۸-۵۷، ۵۳-۵۲). با اعدام و خروج بسیاری از سران ارتش و گارد شاهنشاهی پرونده‌های مالی آنان باز بود. برخی از آنان به بانک‌ها و صندوق‌های مالی بدهکار بودند و مسئولان ارتش در تلاش بودند که بدهی‌های آنان را از اموال یا درآمدهایی که داشتند تسویه نمایند. سرلشکر علی نشاط از جمله افرادی بود که مبلغ ۵۸۱۲۳۰ ریال بابت وام دریافتی به صندوق تعاونی افسران گارد سابق بدهکار بود. نظر به اینکه صندوق تعاونی مزبور منحل شده و بایستی طلب سهامداران آن، که اغلب از افسران جوان و درجات پایین ارتش جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده بود، پرداخت گردد؛ طی نامه‌نگاری‌هایی در سال ۱۳۵۸ مقرر گردید بازپرداخت بدهی نامبرده از طریق چهار ماه حقوق ایام مرخصی و یا مصادره اموال صورت گیرد تا لشکر بتواند با طلبکاران صندوق تسویه حساب نماید. سرانجام دادگاه به مصادره اموال وی رأی داد (مراسان ۱۸۶۳۴: ۵۹، ۵۳).

۴-۳- ادغام نیروهای گارد شاهنشاهی در ارتش

بعد از انحلال گارد شاهنشاهی، نیروها مدتی بلا تکلیف بودند، اما با تأسیس لشکر ۲۱ حمزه، واحدهای گارد به این لشکر ملحق شدند و لشکر جدیدی با نام جدید و فرماندهان جدید پا به عرصه گذاشت (گلدوست، ۱۴۰۰: ۷۸). برخی از افراد گارد در دوران انقلاب به امور امنیتی پرداختند و حتی به مناصبی نیز دست یافتند. گلدوست نقل می‌کند که سروان سید علی‌اکبر هاشمی از اعضای گارد شاهنشاهی بعد از انقلاب دست راست امام شد و در امور امنیتی اقامتگاه امام شرکت داشت (گلدوست، ۱۴۰۰: ۳۱). پیشتر نیز اشاره شد که سروان کلاهدوز از نیروهای گارد در تأسیس سپاه پاسداران مشارکت داشت.

اولین مأموریت گاردی‌ها در دوران انقلاب اعزام به کردستان بود تا بتوانند نیروهای تجزیه‌طلب را سرکوب کنند. قبل حرکت نیروها سرتیپ فلاحتی برای آنها سخنرانی کرد و خطاب به نیروهای گارد سابق گفت: «آقایان! برادرها! می‌دانید که از اولین روز پیروزی انقلاب، متجاسرین و خائنین به مملکت با کمک عوامل بیگانه در غرب کشور دست به تحرکاتی زدند که اگر سرکوب نشوند خطر تجزیه مناطق وسیعی از ایران رو به دنبال خواهد داشت. پرسنل لشکر شما، لشکر سابق گارد، از هشتمین روز پیروزی انقلاب همراه من به غرب آمده و در

کردستان و مهاباد جنگیدند و شما هم موظف به جانفشانی در راه حفظ استقلال و شرف وطن هستید. مملکت برای آموزش هر کدام از شما چند برابر یک نیروی ارتشی هزینه کرده است. امروز روزی است که باید دین خودتان را به ایران و انقلاب ادا کنید. خدا پشت و پناهتان» (گلدوست، ۱۴۰۰: ۷۸-۸۰). با حضور نیروهای گارد در قالب لشکر ۲۱ حمزه، آنها در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران شرکت جسته و بسیاری از این نیروها در کردستان شهید شدند یا به اسارت درآمدند (گلدوست، ۱۴۰۰: ۹۷) و بدین ترتیب نیرویی که با هزینه‌های هنگفت مسئول حفاظت از خاندان شاهی و اماکن مهم بود در بدنه ارتش جمهوری اسلامی ایران ادغام گردید.

نتیجه

واکاوی عملکرد گارد شاهنشاهی در انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این واحد نظامی، با داشتن تجهیزات پیشرفته و آموزش‌های ویژه داخلی و خارجی، نتوانست در مقابل امواج انقلاب اسلامی مقاومت نماید. بررسی اسناد معتبر نشان می‌دهد که گارد شاهنشاهی به‌عنوان یکی از واحدهای مهم نظامی حکومت پهلوی در هنگام انقلاب اسلامی، با چالش‌های مختلفی روبه‌رو شد که موجب عدم کارایی و فروپاشی این واحد گردید. از مهم‌ترین علل فروپاشی این واحد می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. ضعف فرماندهی و متکی بودن به شخص شاه باعث شد که پس از فرار شاه و فقدان پایگاه مردمی در حالتی از سردرگمی قرار گیرند. ۲. ضعف روحیه و بی‌انگیزگی نیروها در مقابل مردم؛ چون بسیاری از این نیروها از بدنه جامعه بودند و قلباً دوست نداشتند در سرکوبی مردم شرکت کنند. ۳. همکاری و همبستگی برخی از نیروها با مردم و نیروهای انقلابی موجب شکاف در این واحد شد. ۴. تأثیر نارضایتی نیروهای ارتشی نیز بر نیروهای گارد تأثیرگذار بود. این عوامل موجب شد که در اوج بحران‌ها کارایی خود را از دست بدهد و تنها به حرکاتی نمایشی دست زند. با فرار شاه، گارد شاهنشاهی به‌سرعت دچار فروپاشی شد.

حکومت پهلوی فاقد پایگاه مردمی لازم بود و همین امر بر آشفتگی وضعیت نیروهای نظامی تأثیرگذار بود. زیرا واحدهای نظامی و ارتشی از جمله گارد شاهنشاهی جدای از ملت نبودند و تأثیر تفکرات انقلابی و اندیشه‌های مذهبی مردم بر این نیروها کاملاً مشهود بود. با فرار شاه از ایران به‌عنوان فرمانده اصلی گارد شاهنشاهی، این نیرو دچار سردرگمی و سستی شد و نتوانست کارایی لازم را در برابر نیروهای انقلابی داشته باشد. اسناد و منابع این دوره نشان می‌دهد که با

پیروزی انقلاب اسلامی، فرماندهان رده‌اول این واحد دستگیر شدند و یا از کشور فرار کردند. برخی از فرماندهان آن اعدام شدند و اموال آنها مصادره گردید. بسیاری از نیروهای گارد شاهنشاهی در زمان پیروزی انقلاب تسلیم شدند و یا به صفوف انقلابیون پیوستند. اما با تشکیل واحدهای نظامی جدید و فراخوان به واحدهای مختلف ارتش، نیروهای گارد شاهنشاهی نیز برای خدمت در ارتش فراخوانده شدند. تمامی افراد گارد شاهنشاهی در لشکر جدیدالتأسیس ۲۱ حمزه آذربایجان ادغام شدند و در جنگ تحمیلی هشت‌ساله رشادت‌های زیادی از خود نشان دادند. بررسی اسناد این دوره نشان می‌دهد که فروپاشی گارد شاهنشاهی، نماد شکست ساختار سیاسی و نظامی وابسته به شاه بود و تنها یک شکست نظامی نبود، بلکه نشان‌دهنده قدرت عزم و اراده مردمی در مقابل پیشرفته‌ترین ابزارهای نظامی بود که توانست انقلاب اسلامی را به ثمر بنشانند.



کتابنامه

الف) اسناد و نشریات

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): شماره بازیابی ۲۷۱۵، ۳۲۱۸، ۱۷۹۶۲، ۳۵۷۴۶، ۳۵۶۷۳، ۳۵۶۲۳، ۳۵۷۴، ۱۸۶۳۳، ۲۸۲۸، ۴۳۵۲۴، ۲۶۴، ۳۲۱۹، ۱۷۹۶۳، ۳۵۷۷۵، ۲۸۵، ۲۹۰، ۵۰۰۰، ۷۹۶، ۱۹۳۶، ۱۱۶، ۱۲۱، ۲۲۱۹، ۲۳۱۴، ۳۱۷، ۱۸۷۴۱، ۴۰۵۳۷، ۱۲۴، ۴۰۳، ۱۴۰۳، ۳۴۴۲، ۱۸۶۳۴. روزنامه آفتاب شرق، پنجشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۵۳ش، شماره مسلسل ۱۰۶۳۰، پنجاهمین سال انتشار.

پیام پاسداران (ماهنامه گارد شاهنشاهی)، سردبیر: سرهنگ پیاده ستاد بدیع‌اله کوثر، چاپخانه ارتش شاهنشاهی، ۱۳۵۵-۱۳۵۷، شماره‌های ۱۰، ۱۸، ۱۹، ۲۰.

ب) منابع کتابخانه‌ای

آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.

برنامه تاریخ شفاهی و تصویری ایران در عصر پهلوی دوم، بنیاد مطالعات ایران، گفتگو با سپهد محسن هاشمی‌نژاد، مصاحبه‌کننده: ماروین زونیس و ولی‌رضا نصر، واشنگتن دی سی آمریکا، مارس ۱۹۸۲ و مه ۱۹۸۹.

برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، مصاحبه‌شونده: یزدان نویسی، مصاحبه‌کننده: مهناز افخمی، لس آنجلس، سیزدهم فوریه ۱۹۸۵.

پارسا بناب، یونس، تاریخ سیاسی ارتش ایران، واشنگتن، آذر، ۱۳۶۳. رحمتی، محمد؛ زاهد غفاری، «تحلیل قیام ۱۵ خرداد در قالب نظریه جنبش اجتماعی اسملسر»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۷۰-۱۳۵.

فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران، اطلاعات ۱۳۸۷. حسین، گلدوست، شهر ممنوعه، مستند روایی از خاطرات ستوان دوم (افسر گارد جاویدان) مرحوم نجاتعلی اسکندری، تهران، روایت فتح، ۱۴۰۰.

قره‌باغی، عباس، اعترافات ژنرال؛ خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۵.

قره‌باغی، عباس، ماجرای فرار ارتشبد قره‌باغی، تهران، نشر آبی، ۱۳۷۹.

اسناد پیوست

۰۷۹۶۱۰۳

کیرنده (بابت اداره دادرس ارتش)
فرستنده (دادستانی)

شماره ۱۱۳/۱
شماره پیوست ۱

تاریخ
شماره
شماره پرونده گیرنده
شماره پرونده فرستنده

محرمانه
موضوع: **الغرض عن العسوق**

چون نامبرده بالا که با اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت از تاریخ ۱۵/۳/۴۲ دستگیر و بازداشت می‌باشد بقرار صادره بازپرس ۱ لشکرگرد اعتراض نموده لذا تعداد ۱۵ برگ پرونده مشارالیه را جهت هرگونه اقدام قانونی به پیوست ایفا میدارد خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجه اقدامات معموله این سازمان را - مستحضر سازند -

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سرلشکر باکروان

محرمانه

۱۶/۳/۴۲
۱۰۷۱/۱۰۴۳
۱۵۳

سازمان اسناد و انقلاب اسلامی
شماره ۱۵۳

۵۳۰۷-۳۸

تصویر شماره ۱. در مورد دستگیری امام خمینی به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی توسط ساواک (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده امام خمینی (ره) جلد ۲، شماره بازپرسی ۷۹۶، ص ۱۰۳).

۰۲۲۱۹۰۶۰

خیلی محرمانه

تاریخ وصول ۴۶/۱۰/۲۳ شماره گزارش ۲۱۶-۱ تاریخ نوشتن گزارش ۴۶/۱۰/۳۰ تقویم گزارش پ-۲	از تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۳ (تقریباً) حفاظت و حفاظت به تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور منبع خبر ۱۱۳۰ تاریخ دفعه اول از وصول اطلاعیه
---	---

موضوع: درباره راننده تاکسی شماره ۴۶/۱۰/۲۳ ط ۳۵

طبق اطلاع واصله

در تاریخ ۴۶/۱۰/۲۳ تاکسی شماره بالا در حالیکه عکس از تختی را با پرده‌های جمل
 میکرد مشاهده گردید و راننده علت خود کشی تختی را چنین بیان داشت او فرد مسلمان
 بود و کسی که قرآن میخواند خود کشی نمیکند چون جزو جبهه ملی بود از طرف دولت او را
 کشته اند ۱۴۰

۱۳۵۷/۱۰/۲۳
 آ. ر. ح. ح. ح.
 با مسئولیت ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
 در روز ۱۳۵۷/۱۰/۲۳
 در محضر شایسته مقام عالی وزارت امور خارجه و در حضور آقایان
 م. ۱۱/۲۵

خیلی محرمانه

شوشگاه علوم و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 ثبت ۱۱۰۰ رور ۱۳۵۷/۱۰/۲۳ (۴۶/۱۰/۲۳) تاریخ دفعه اول از وصول اطلاعیه

تصویر شماره ۲. نامه گارد شاهنشاهی به ساواک در مورد مرگ تختی و شایعات پیرامون آن
 (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده غلامرضا تختی، شماره بازپایی ۲۲۱۹، ص ۶۰).



وزارت فرهنگ و آموزش عالی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۰۲۳۱۴۰۹۳

تیمارسببید و کتربایادی

بازگشت به ۹۳۲ - ۵۲/۱۰/۲۰

بشرفعرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت عما یونشا هشتاد و نهمین سالگرد پیدایش انقلاب اسلامی و در همین مناسبت، به منظور ارتقای سطح آشنایی و آگاهی از دستاوردهای ارزشمند و تأثیرات عمیق این انقلاب عظیم، اقدام به تهیه و انتشار کتابچه‌ای گردید. این کتابچه در دو بخش کلی، شامل بخش اول: کلیات و بخش دوم: جزئیات، تنظیم گردیده است. در بخش اول، به بیان کلیات و اهداف انقلاب و در بخش دوم، به بیان جزئیات و دستاوردهای این انقلاب پرداخته شده است. امید است که این کتابچه، به عنوان یک منبع معتبر و قابل اعتماد، در راستای ارتقای سطح آشنایی و آگاهی از دستاوردهای ارزشمند و تأثیرات عمیق این انقلاب عظیم، مورد استفاده قرار گیرد.

۱- در ستیزی و نفوذ از مملکت، اصول و مبانی و باور داشت و تحقیقات از آن.

۲- جمع آوری نشریات گوناگونی که از طریق حسینیه مذکور نشر و توزیع گردیده و در حد یک نسخه تاکنون ممکن بوده و متجاوز از هزاران جلد کتاب و جزوات پلویکی شده و امثال آن ضبط و معدوم گردیده است.

۳- عملیات شناسایی و نفوذ در میان آن‌ها از شرکت کنندگان که به اشتراک تبلیغات مزبور متاثر شده و به گروه‌های ساز پر اختصار شده و توسعه یافته شده و در میان برخی از نشریات و تاکنون به بار گروه‌های این افراد که متاثر و ملهم از تبلیغات است. اما در حد سه نسخه از آن بوده و کشف و اعضای آن و ستیز گردیده اند.

۴- گمان عملیات خنثی سازی روی تبلیغات مورد بحث که هنوز از ارای آن در میان گروه‌های مذکور به چشم میخورد بطور مستمر ادامه دارد.

۵- حسینیه‌ها را که گمان یکلی تعطیل است و تاثر تبلیات صحیح و غمیان بخش برای تجدید فعالیت آن‌ها در منشور افتتاح نخواهد شد.

ارتشبد نصیری

شماره ۳۴۲/۵۱۶۶
۵۲/۱۰/۲۴

تصویر شماره ۳. گزارش ارتشبد نصیری در مورد فعالیت‌های ضدحکومتی حسینیه ارشاد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده حسینیه ارشاد، شماره بازایی ۲۳۱۴، ص ۹۳).

ناتوانی گارد شاهنشاهی در مهار انقلاب اسلامی؛ تحلیلی بر ساختار، عملکرد و فروپاشی (به روایت اسناد تاریخی)..... ۳۵۱

۰۰۴۰۲۲۲۴

محرمانه

درجه فوریت

۱- از : پلیس تهران (۱۰۱) : ۷- شماره گزارش : ۲۵۳۵/۲/۲۱
 ۲- به : ریاست اداره اطلاعات : ۸- تاریخ گزارش : ۲۵۳۵/۲/۲۱
 ۳- منشاء : ۹- تاریخ وقوع :
 ۴- منبع : ۱۱۱
 ۵- پوست :
 ۶- ملاحظات حفاظتی : قابل انتشار

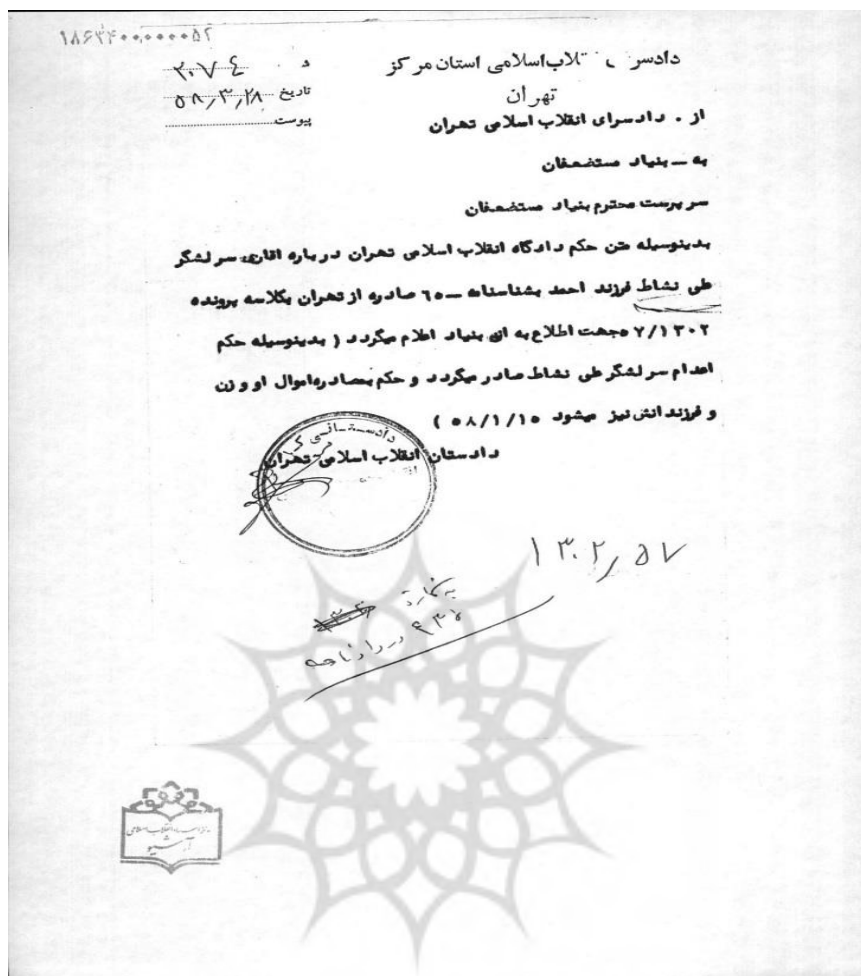
موضوع :
 ساعت ۰۹:۴۵ روز ۲۱/۲/۵۳ دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران ضمن دادن شماره پاسکد هماتورین گارد حمله و گارد متقابل* بخلاف آنها حمله و زدن داخل دانشگاه پیرون و در افراف خیابان ۲۱ آذر برپا کنند کرد بدند ضامن و نفرزاد دانشجویان با سامی زهر را نوع پرور ۲۱ ساله دانشجوی سال سوم فنی و آلوده نیرویان فرزند آرشا ۱۱ ساله دانش وی سال فنی توسعه هماتورین کانتی ۲۱ استیکر که در این مورد پرونده های تند ایم وحدت رسید فنی قرار گرفت. پرک

ارزیابی : صدق دارد
 نظریه :

۵۳-۲۸-۱
 ۵۵۵-۳-۲۲

طبقه بندی حفاظتی

تصویر شماره ۴. گزارش اداره پلیس به اداره اطلاعات راجع به حمله دانشجویان به نیروهای گارد و حمله متقابل نیروهای گارد به دانشجویان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده وقایع انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۰۳، ص ۳۳۴).



تصویر شماره ۵. نامه دادسرای انقلاب اسلامی تهران به بنیاد مستضعفان در مورد حکم اعدام سرلشکر علی نشاط و مصادره اموال وی (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده علی نشاط، شماره

بازیابی ۱۸۶۳۴، ص ۵۲)